






واکاوی تجربه زیسته از ترتیب تولد در بعد ارتباطی براساس دیدگاه فرزندان اول: یک مطالعه پدیدارشناسانه

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، البرز، ایران
دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مریم رستمی نجف آبادی  
فهیمة باهنر 

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ | ایمیل نویسنده مسئول: Fahime.bahonar@edu.ui.ac.ir

فصلنامه علمی پژوهشی خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۳ پیاپی ۱۷ | ۱۲۴-۱۰۵
(مجموعه مقالات حوزه خانواده و فرزند)

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(رستمی نجف آبادی و باهنر، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

رستمی نجف آبادی، مریم، و باهنر، فهیمة. (۱۴۰۲). واکاوی تجربه زیسته از ترتیب تولد در بعد ارتباطی براساس دیدگاه فرزندان اول: یک مطالعه پدیدارشناسانه. *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۳)، ۱۲۴-۱۰۵.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف واکاوی تجربه زیسته از ترتیب تولد در بعد ارتباطی براساس دیدگاه فرزندان اول انجام شد. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر کاربردی و از نوع کیفی پدیدارشناسی می‌باشد. شرکت‌کنندگان این پژوهش شامل فرزندان اول شهر اصفهان در سال ۱۴۰۱ بود. انتخاب شرکت‌کنندگان به صورت هدفمند و تا مرز اشباع و نهایتاً انتخاب ۱۶ فرزند اول ادامه یافت و شرکت‌کنندگان مورد مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون کلایزی استفاده شد. یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۵۳ مفهوم اولیه، ۱۰ مضمون محوری و ۳ مضمون اصلی شد. نتایج نشان داد ارتباطات درون خانوادگی در ۶ مضمون (پیوستگی روابط با والدین، گسستگی روابط با والدین، بهبود روابط با سایر فرزندان، گسستگی روابط با سایر فرزندان، رضایت از رابطه زناشویی و نیازهای روانشناختی سرکوب شده) طبقه‌بندی شدند. مضمون اصلی دوم ارتباطات فردی شامل (افزایش و کاهش کیفیت ارتباط با خود بود. در نهایت مضمون ارتباطات اجتماعی به مضامین فرعی (عدم علاقه اجتماعی و محدودیت در روابط دوستانه) طبقه‌بندی شد. **نتیجه‌گیری:** در مجموع نتایج نشان داد فرزند اول بودن می‌تواند ابعاد گوناگون ارتباطی را تحت تاثیر قرار دهد و چالش‌هایی را در ازدواج، روابط دوستانه، روابط اجتماعی و خانوادگی ایجاد نماید. اصلاح الگوهای تعاملی و آگاه‌سازی والدین و فرزندان می‌تواند در پیشگیری از چالش‌ها مؤثر باشد. چراکه ترتیب تولد نقش مهمی در نحوه شکل‌گیری ارتباطات درون خانوادگی و برون خانوادگی دارد.

کلیدواژه‌ها: ارتباط، ترتیب تولد، فرزند اول، پدیدارشناسی.

مقدمه

یکی از مفاهیم مهم در مشاوره خانواده، چرخه زندگی خانواده^۱ است. هر مرحله از این چرخه، نیازها، تکالیف و بحران‌های خاص خود را دارد. به طوری که عدم تطابق و سازگاری با این نیازها و تکالیف، کار را برای ورود به مرحله بعدی چرخه زندگی مشکل خواهد کرد (زهراکار و جعفری، ۱۴۰۱). تولد فرزند نیز به عنوان یکی از مهمترین رویدادهای چرخه زندگی شناخته می‌شود (مارتینز، ۲۰۱۹). به‌گونه‌ای که متخصصان خانواده‌درمانی تولد اولین فرزند و تغییرات مربوط به نقش‌ها را به عنوان وقوع بحران^۲ توصیف کرده‌اند که چالش‌های متعددی را برای والدین و فرزند متولدشده ایجاد می‌کند (ویتبورن و همکاران، ۲۰۱۸). بی‌شک آدلر (۱۹۱۲) یکی از اولین نظریه‌پردازان در حوزه روان‌شناسی شخصیت است که در مطالعاتش به اثرات مفهوم ترتیب تولد^۳ پی برد و معتقد است که ترتیب تولد فرزندان با تاثیر اجتماعی و ارتباطی بسیار مهم در دوران کودکی، نقش بنیادی در سبک زندگی افراد ایفا می‌کند. به عبارت دیگر آدلر معتقد بود که با وجود اینکه خواهر و برادر، والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می‌کنند؛ اما محیط‌های اجتماعی همانندی ندارند. بزرگتر یا کوچکتر بودن از خواهر و برادر دیگر و قرارگرفتن در معرض پسخورندهای متفاوت والدین، شرایط کودکی متفاوتی را به وجود می‌آورد که به تشکیل شخصیت فرد کمک می‌کند (آنیانیو، اوبیو، یوگانی، ادیکیو، اباه، اوباتاو همکاران، ۲۰۱۸). پژوهش‌های سالوی (۲۰۰۷) که حمایت‌های تجربی فراوانی همسو با دیدگاه آدلر به وجود آورده، با اشاره به نقش اساسی ترتیب تولد و پویایی‌های خانواده بیان می‌کند که هرچه والدین می‌خواهند با هر یک از فرزندان خود به‌طور یکسان رفتار کنند، اما انجام چنین رفتاری عملاً امکان‌پذیر نیست. همچنین این پژوهشگر درباره تاثیر پسخوراند خانواده در رفتار فرزندان بر اساس ترتیب تولد معتقد است، فرزندان اول از نظر ویژگی‌های شخصیتی، بیش از آنکه به خواهر و برادر خودشان شبیه باشند، بیشتر شبیه فرزندان اول خانواده دیگر هستند. پاک-نیت (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود بیان کرد فرزند اول، به طور کلی مورد توجه زیادی قرار می‌گیرد و در مدتی که او تک فرزند است، معمولاً به‌خاطر اینکه کانون توجه است، تا اندازه‌ای نازپرورده می‌باشد. او گرایش دارد به اینکه قابل اعتماد و سختکوش باشد و در جهت موفقیت تلاش می‌کند. اما وقتی خواهر یا برادر جدید وارد صحنه می‌شوند، او متوجه می‌شود که از جایگاه مطلوب خود برکنار شده است. او دیگر منحصر به فرد یا استثنایی نیست و امکان دارد به راحتی باور کند که این تازه وارد (یا مزاحم) محبتی که به آن عادت کرده بود را می‌رباید. پیامد نامطلوب نسبت به تولد فرزند دوم، احساس خلع شدن یا احساس حقارت در فرزند اول است. پیامد مطلوب نسبت به تولد فرزند دیگر، می‌تواند احساس مسئولیت و مراقبت از دیگران باشد.

براساس مدل هم‌آمیزی^۴ نیز فرزندان اول در تعامل انحصاری با والدین، برخوردار از سطوح بالای تحریک هوشی و قرارگرفتن در یک وضعیت ایده‌آل ناشی از انتقال تجارب خود به خواهر و برادر کوچک‌تر، همانند

1. Family life cycle
2. Crisis
3. Birth order
4. Confluence model

یک معلم یا مربی عمل می‌کنند (برینینگ و همکاران، ۲۰۲۰). در همین راستا، نظریه کاهش منابع^۱ معتقد است برتری و موفقیت بیشتر فرزندان اول به این علت است که آن‌ها از تمام منابع و پتانسیل والدین بهره می‌برند و علت اینکه فرزندان بعدی موفقیت کمتری به دست می‌آورند، ناشی از کاهش منابع والدینی است (تران و همکاران، ۲۰۱۹). لذا مشخص است چالش‌هایی در مسیر ترتیب تولد وجود دارد. یکی از این چالش‌ها، مسائل ارتباطی است که با بزرگ شدن فرزندان نمود بیشتری پیدا می‌کند. در واقع انتقال به بزرگسالی، وجود یک انگاره اجتماعی درباره معنای بزرگسالی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، بیان می‌کند که چه تصور مشترکی در مورد ملاک‌های بزرگسالی میان مردم یک جامعه وجود دارد. بنابراین، وضعیت بزرگسالی صرفاً زیستی نیست، بلکه ساختی اجتماعی دارد که توسط ملاک‌هایی که اعضای یک فرهنگ آن را مهم می‌دانند، تعریف می‌شود (آرنت، ۱۹۹۷).

در این راستا بعد ارتباطی نیز، موضوعی محوری در رویکردهای ارتباطی درون خانوادگی است. این رویکردها تعارض‌های میان اعضای خانواده را نه در قالب مشکلات جداگانه، بلکه به عنوان رابطه‌ای نارسا و کنش‌ورانه تحلیل می‌کنند. شکست و ضعف در برقراری ارتباط، یکی از رایج‌ترین مشکلاتی است که خانواده‌های ناراضی گزارش می‌دهند. به‌خصوص زمانی که عضو جدیدی وارد خانواده می‌شود و نحوه برخورد و ارتباط صحیح برای اعضا گنگ و مبهم است (حمید، ابافت و بنی‌طی، ۱۳۹۶). از همین رو ارتباط نامؤثر موجب فاصله بین‌فردی عمیقی می‌شود که در همه جنبه‌های زندگی و همه بخش‌های جامعه تجربه می‌شود. استفاده نکردن از مهارت‌های ارتباطی لازم برای چرخه زندگی خانوادگی لذت بخش می‌تواند منجر به تنهایی، بیماری جسمی و فشار روانی، احساس عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، مشکلات خانوادگی و حتی مرگ شود. ناامیدی، بینش‌های سوگیرانه و نادرست و روابط غلط، علاوه بر تأثیرات سویی که بر ارتباطات میان فرزندان می‌گذارد، بی‌تردید ساختار خانواده را نیز متزلزل می‌کند (قاسمی‌پور، ۱۳۹۰). جهاندار، محمودپور و اسمعیلی (۱۴۰۰) نشان دادند تغییرات نقشی (کاهش حمایت عاطفی، افزایش حمایت عاطفی، کاهش حمایت ابزاری، افزایش حمایت ابزاری و کاهش حمایت اطلاعاتی)، تغییرات قواعدی (محوریت فرزند، ارتباط با خانواده‌های اصلی و دوستان، گسترش انتظارات از همسر و افزایش توجه به خانواده) و تغییرات درونی (رشد شخصی، ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی، تنش‌های درونی و نگرش و جهان‌بینی) رخ می‌دهد. مارتینز (۲۰۱۹) نیز نشان داد که فرزندان اول با پیامدهای احساسی مثبت نظیر ابراز محبت و منفی مانند خستگی والدین بیشتر در ارتباط اند.

همانطور که اشاره شد ترتیب تولد فرزندان یکی از مهمترین و پرچالش‌ترین مراحل رشدی محسوب می‌شود و با توجه به تداخل نقش‌ها و افزایش مسئولیت‌های والدین، باز تعریف بعد ارتباطی از زبان فرزندان اول ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، ضرورت واکاوی بعد ارتباطی، به منظور کاهش چالش‌های اجتماعی-ارتباطی، سازگاری با شرایط جدید، بهزیستی بیشتر فرزندان اول و تصمیم‌گیری مناسب در روابط لازم به نظر می‌رسد (کوان و کوان، ۱۹۹۲). همچنین کشف عمیق تجارب فرزندان اول سبب گسترش آگاهی نسبت به چرخه‌های بعدی زندگی می‌شود و تصمیم‌گیری آنان برای ازدواج، تحصیل و شغل را بهتر می‌کند. علیرغم تحقیقات فراوان صورت گرفته در ارتباط با دوره گذر به والدینی، همانند

پژوهش جهاندار، محمودپور و اسمعیلی (۱۴۰۰) که به پدیدارشناسی تغییرات هویت همسری مادران پس از تولد اولین فرزند پرداختند، خلاء پژوهش‌های کیفی در زمینه چالش‌های ارتباطی فرزندان اول احساس می‌شود. ضمن اینکه بیشتر پژوهش‌های موجود به مطالعه تغییرات و ادراکات والدین در این مرحله (عباس‌پور و چوبداری، ۱۳۹۹؛ فروغی و همکاران، ۱۳۹۶) پرداخته و بررسی مسائل و دغدغه‌های فرزندان اول، مورد غفلت پژوهشی قرار گرفته است. درحالی‌که اهمیت نقش‌های فرزندان به ویژه در فرهنگ کشور ما می‌تواند تأثیر شگرفی بر هویت آن‌ها بگذارد. لذا هدف پژوهش حاضر، واکاوی مفهوم ترتیب تولد در بعد ارتباطی براساس دیدگاه فرزندان اول بود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های کیفی^۱ با روش پدیدارشناسی^۲ انجام شد. بدین دلیل برای درک تجارب ارتباطی ترتیب تولد فرزندان اول، روش پدیدارشناسی اتخاذ شد که به تشریح ساختار یا ماهیت تجارب زندگی و معنی بخشیدن به آن‌ها و توصیف دقیق پدیده‌ها از خلال تجارب زندگی روزمره می‌پرداخت (انصاری و همکاران، ۱۳۸۶). مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل فرزندان اول دختر و پسر با دامنه سنی ۱۸-۳۵ ساله بود که در شهر اصفهان سکونت داشتند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با استفاده از روش هدفمند^۳ صورت گرفت. نمونه‌گیری هدفمند به منزله گزینش واحدهای مورد مطالعه با توجه به ملاک‌های معینی می‌باشد که توسط پژوهشگر تعیین می‌شود (هومن، ۱۳۹۱). در این پژوهش ۵ معیار ورود برای مشارکت در نظر گرفته شد: ۱- داشتن تمایل برای حضور در پژوهش، ۲- محدوده سنی ۱۸-۳۵ سال، ۳- ساکن شهر اصفهان، ۴- عدم سابقه بیماری جسمانی و روانی مزمن، ۵- فرزند اول بودن. همچنین برای پژوهش ملاک‌های خروج از مطالعه نیز در نظر گرفته شدند که عبارت بودند از: ۱- خارج شدن از جلسه مصاحبه در میانه کار ۲- عدم علاقه به مصاحبه. در نهایت با توجه به اصل اشباع^۴ و تکراری^۵ شدن پاسخ‌ها تعداد مشارکت‌کنندگان به ۱۶ نفر رسید. جلسات مصاحبه ۳۰ تا ۵۰ دقیقه‌ای با ارائه توضیحات لازم در رابطه با موضوع، روش اجرا و تأکید بر اصل محرمانه بودن اطلاعات صورت پذیرفت.

ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه‌ساختاریافته.** در این پژوهش، گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه کیفی نیمه ساختاریافته^۶ انجام پذیرفت. مصاحبه نیمه ساختاریافته روشی انعطاف‌پذیر و اکتشافی است که از طرفی به بررسی پرسش‌ها و اهداف پژوهش می‌پردازد و از طرف دیگر زمینه مناسبی را برای مطرح‌شدن دیدگاه و ایده مصاحبه‌شونده فراهم می‌کند (پاتون، ۲۰۱۵). این نوع مصاحبه این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌کند که با موشکافی عمیق‌تر اطلاعات بیشتری درباره موضوع مورد مصاحبه به دست بیاورد و با ایجاد

1. Qualitative research
2. Phenomenology research
3. Purposive
4. Saturation
5. Repetitious
6. Semi-structured qualitative

فضا برای پرسش و موشکافی بر مبنای پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به مصاحبه‌های کاملاً سازمان‌دهی شده دارد. پرسش‌ها در این نوع مصاحبه محدود به فرضیه‌ها نبوده و بر اساس هیچ نوع متغیر از پیش تعیین شده‌ای نیست (هالووی و گالوین، ۲۰۱۷).

شیوه اجرا. سوالات مصاحبه به صورت باز پاسخ و بر اساس اهداف و پیشینه نظری پژوهش توسط پژوهشگران طراحی گردید. در ابتدا، مصاحبه با یک سؤال کلی که «فرزند اول بودن چه تاثیرات در روابط شما گذاشته است؟» آغاز می‌شد که به مشارکت‌کنندگان اجازه می‌داد به موضوع خود در این حوزه به صورتی که علاقه مند بودند، نزدیک شوند. در ادامه با توجه به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان و با در نظر داشتن هدف پژوهش، سوالات جدیدتری مانند ارتباطات درون خانوادگی چگونه است؟ ارتباط با همسپهرها چگونه است؟ فرزند اول چگونه بر ارتباطات اجتماعی تاثیر گذاشته است؟ و... پرسیده می‌شد. سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، مصاحبه‌ها به دقت روی کاغذ پیاده سازی شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، در گزارش نقل قول‌ها از عبارات (مشارکت‌کننده شماره ۱، ۲ و...) استفاده گردید. جهت رعایت اصول اخلاقی، پیش از شروع کار از شرکت‌کنندگان رضایت نامه شفاهی گرفته شد و پس از آن صدایشان ضبط گردید. همچنین پیش از شروع کار، مشارکت‌کنندگان از موضوع و روش اجرا مطلع گردیدند و در طول مصاحبه و بعد از آن از اطلاعات خصوصی و شخصی داوطلبین محافظت شد. به صورت کلی رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات و تمایل برای شرکت در پژوهش رعایت شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد که یکی از رویه‌های پرکاربرد تحلیل در تحقیقات پدیدارشناسی است (محمدپور، ۱۳۹۲). طبق این روش، در این پژوهش پس از انجام مصاحبه و پیاده سازی مصاحبه بر روی کاغذ، چندین مرتبه متن خوانده شد و در ادامه خواندن یافته‌های مهم هر مصاحبه و هم احساس شدن با افراد مشارکت‌کننده به منظور درک آن‌ها، استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج شده (فرمول بندی)، دسته بندی مفاهیم مشترک به دست آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه ایده‌ها و ترکیب آن‌ها، توصیف نهایی پدیده مورد مطالعه و در نهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به مشارکت‌کنندگان در راستای معتبرسازی نتایج انجام شد. جهت بررسی اعتبار و صحت داده‌های پژوهش، از چهار معیار قضاوت شامل اعتبار^۱، انتقال پذیری^۲، اطمینان پذیری^۳ و تایید پذیری^۴ که توسط گوبا و لینکن (۱۹۹۴) پیشنهاد شده است استفاده شد. برای تضمین اعتبار، درگیری مداوم با موضوع و داده‌های پژوهش وجود داشت. از نظرات اساتید در ارتباط با روند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها استفاده شد. برای بررسی اطمینان‌پذیری داده‌ها از نظرات همکاران متخصص در حوزه روش تحقیق کیفی و خانواده‌درمانی استفاده شد و متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر تم به همکاران ارائه شد. برای رسیدن به اصل انتقال‌پذیری، سعی شد از فرزندان اول در سطوح مختلف شغلی، اجتماعی و فرهنگی استفاده گردد. افزون بر این جهت تأمین تایید پذیری، سعی شد پژوهشگران قضاوت‌ها و سوگیری‌های خود را تا حد امکان در کار دخالت ندهند. این عمل به صورت ثبت همی

1. Credibility
2. Transferability
3. Dependability
4. Confirmability

مراحل انجام کار و داده‌های حاصله و حفظ مستندات در تمام مراحل پژوهش که به تضمین قابلیت تایید این پژوهش کمک کرد، انجام شد.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های جمعیت‌شناختی از بین ۱۶ نفر شرکت‌کننده ۱۰ نفر (۶۲/۵ درصد) خانم و ۶ نفر (۳۷/۵ درصد) آقا، ۹ نفر متأهل (۵۶/۲۵ درصد) و ۷ نفر مجرد (۴۳/۷۵ درصد) بودند. میانگین سنی افراد ۲۶/۶۶ و میانگین تحصیلی کارشناسی با ۱۰ نفر، ۵ نفر کارشناسی ارشد و ۱ نفر دکتری بودند. در ادامه به طبقه‌بندی مضامین به دست آمده از مصاحبه‌کنندگان پرداخته شده است.

جدول ۱. مضامین اصلی، محوری و مفاهیم اولیه واکنش‌ها و تجارب ارتباطی فرزندان اول

مضامین اصلی	مضامین محوری	مفاهیم اولیه
ارتباطات درون خانوادگی	پیوستگی روابط با والدین	احساس صمیمیت و نزدیکی
		درک شرایط خانواده
		حرف‌شنوی بیشتر از والدین
		حمایت والدین
		تلاش برای بهبود حال والدین
	گسستگی روابط با والدین	عدم بیان درخواست‌ها
		آزمایش و خطای والدین در فرزندپروری
		اجبار خانواده در تصمیم‌گیری‌ها
		رودربایستی در ارتباط با والدین
		ایرادگیری بیش از اندازه
		تنبیه شدن
		تفاوت رفتاری والدین بین فرزندان
		الگوگیری رفتارهای بد والدین
		تشکیل طرحواره تاییدطلبی
		تشکیل طرحواره نقص و شرم
	بهبود روابط با سایر فرزندان	مشورت‌دهی فرزند اول
		نقش مادر و پدر دوم داشتن
		نقش واسطه‌ای آنان با والدین
		خودمختاری سایر فرزندان
		حل چالش‌های نوجوانی
	گسستگی روابط با سایر فرزندان	حس حسادت در روابط
		تنفر
		جابجایی نقش‌ها
	رضایت از رابطه زناشویی	مسئولیت‌پذیری
		طرحواره ایثارگری
		تاب‌آوری

نیاز به تفریح جدای از خانواده	نیازهای روانشناختی سرکوب شده	
نیاز رفاهی و مالی		
نیاز به دریافت کلامی محبت		
نیاز به آزادی عمل		
نیاز به انتظارات واقع بینانه والدین		
نیاز به ارضای خواسته‌ها		
خود ارزشمندی	افزایش کیفیت ارتباط با خود	ارتباطات فردی
دید همه جانبه به مسائل		
تلاش برای اثبات خود در روابط		
مستقل شدن		
خودشناسی بیشتر		
اعتماد به نفس بیشتر در روابط		
احساس حقارت	کاهش کیفیت ارتباط با خود	
سخت گیری نسبت به خود		
سرزنش خود		
اضطراب در روابط		
مقایسه ارتباطات		
حس قربانی شدن		
احساس خجالت زدگی در ارتباط	عدم علاقه اجتماعی	ارتباطات اجتماعی
احساس طردشدگی در ارتباط		
اشکال در ارتباطات شغلی		
احساس تنهایی در مدرسه		
عدم تمایل به حضور در جامعه		
سخت گیری در ازدواج		
وابستگی در تصمیم گیری های ازدواج		
مرزبندی جنسیتی توسط خانواده	محدودیت در روابط دوستانه	
محافظه کاری در روابط دوستانه		

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می شود، تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص واکنش‌ها و تجارب ارتباطی فرزندان اول منجر به تولید ۳ مضمون اصلی، ۱۰ مضمون محوری و ۵۳ مفهوم اولیه شد. در ادامه به تشریح و نقل قول‌های شرکت کنندگان پرداخته شده است.

الف) ارتباطات درون خانوادگی

همانطور که نتایج نشان داد ارتباطات درون خانوادگی در ۶ مضمون پیوستگی روابط با والدین، گسستگی روابط با والدین، بهبود روابط با سایر فرزندان، گسستگی روابط با سایر فرزندان، رضایت از رابطه زناشویی و نیازهای روانشناختی سرکوب شده طبقه بندی شدند. در ادامه به معرفی بیشتر این یافته‌ها پرداخته می شود.

- پیوستگی روابط با والدین

این مضمون محوری دربرگیرنده مضامین باز احساس صمیمیت و نزدیکی، درک شرایط خانواده، حرف-شنوی بیشتر از والدین، حمایت والدین و تلاش برای بهبود حال والدین بود. در واقع شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که فرزند اول بودن باعث شده بود والدین نسبت به آنان و همینطور آنان نسبت به والدین دلسوزانه‌تر و حامی‌تر رفتار کنند. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"از لحاظ نزدیکی و درک شرایط خانواده، درک من خیلی بالاتر بود و به مامانم نزدیکتر بودم" (شرکت-کننده شماره ۱)

"من رابطه با مامانم اینا بهتره.. چون حرف شنوی بیشتری دارم. بیشتر باهاشون مشورت میکنم و اوناهم به موقع حامی میشن. خواهرم نه" (شرکت‌کننده شماره ۲)

• گسستگی روابط با والدین

برخی از شرکت‌کنندگان اشاره داشتند در روابط خود با والدین دچار گسستگی و بهم ریختگی شدند. این موضوع منجر به عدم بیان درخواست‌ها، آزمایش و خطای والدین در فرزندپروری، اجبار خانواده در تصمیم‌گیری‌ها، رودربایستی در ارتباط با والدین، ایرادگیری بیش از اندازه، تنبیه شدن، تفاوت رفتاری والدین بین فرزندان، الگوگیری رفتارهای بد والدین، تشکیل طرحواره تاییدطلبی و تشکیل طرحواره نقص و شرم شده بود. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"فکر می‌کنم از بچه اول توقع دارن و متوقع میشن نسبت بهش که تو باید این کارارو میکردی یا باید اینارو میدونستی و نباید خطا میکردی. معمولاً باید نباید‌هاشون برای بچه اوله و به همین نسبت عاطفشون کم میشه به این بچه. ولی بچه‌ها هرچی میرن اون طرف تر هم توقعات ازشون کمتر میشه هم آزادی عملشون بیشتر میشه" (شرکت‌کننده شماره ۴)

"من همیشه از بچگی میگفتم بچه‌های اول موش ازما بشگاهین. یعنی پدرمادر خامی که شناختی نه از بچه و نه حتی از خودشون ندارن، به بچه‌ای رو میارن که نمیدونن باید باش چکار کنن" (شرکت‌کننده شماره ۱۶)

• بهبود روابط با سایر فرزندان

تعدادی از شرکت‌کنندگان بیان کردند که علاوه بر رابطه والدین، رابطه با سایر خواهران و برادران نیز دستخوش تغییر و تحولاتی بود. در این زمینه برخی این تغییرات را مثبت با مضامین باز مشورت‌دهی فرزند اول، نقش مادر و پدر دوم داشتن، نقش واسطه‌ای آنان با والدین، خودمختاری سایر فرزندان و حل چالش‌های نوجوانی می‌دانستند. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"من فکر میکنم چون من هستم خیلی از مشکلات خواهرم حل میشه. چون خیلی از حرفاشو میاد برا من میگه و من میرم برا خانواده میگم یا با من درددل میکنه. درواقع من حالت یه مادر دوم دارم برایش" (شرکت‌کننده شماره ۱)

"من نسبت به داداشم بیشتر حالت دلسوزانه دارم تا اون نسبت به من. من همیشه سعی میکردم چیزایی که مامان بابام به من میگن رو به اون انتقال بدم" (شرکت‌کننده شماره ۵)

• گسستگی روابط با سایر فرزندان

از سوی دیگر برخی از مشارکت‌کنندگان تحولات روابطی خود را به صورت منفی با سایر فرزندان می‌دانستند. حس حسادت در روابط، تنفر و جابجایی نقش‌ها منجر به این موضوع شده بود. افراد شرکت‌کننده اعتقاد داشتند که دعوا در روابط خواهر و برادری مرسوم است، اما در بعضی مواقع به خاطر فرزند اول بودن باید حقوق خود کوتاه می‌آمدیم که این امر بد بود. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"ببین من همیشه به حس بدی بهش داشتم. با اینکه بدون اون جون نداشتم ولی همیشه به حس حسادت و بدی بهش داشتم به خاطر رفتارای بقیه" (شرکت‌کننده شماره ۱)

"خیلی احساس حسادت شدید و تنفر نسبت بهش داشتم و واضح بهش میگفتم که اومدن تو باعث شد زندگی من سخت بشه. و همش درگیری داشتم که چرا خیلی کارارو برای اون میکنن برامن نه. چرا اون اجازه داره من ندارم" (شرکت‌کننده شماره ۱۶)

• رضایت از رابطه زناشویی

مضمون دیگر به دست آمده رضایت از رابطه زناشویی بود که بخاطر فرزند اول بودن سبب شکل‌گیری ویژگی‌هایی در رابطه زناشویی افراد شده بود. این ویژگی‌های عبارتند از: مسئولیت‌پذیری، طرحواره ایثارگری و تاب‌آوری. در واقع شرکت‌کنندگان متاهل به این نتیجه رسیده بودند که روابط زناشویی آنان تا حدی تحت تاثیر ویژگی‌های فرزند اول بودن قرار دارد. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"مسئولیت‌پذیری که من دارم شاید خواهرم سرسوزنی نداشته باشه. من ایثارگریم خیلی بالاست. چه توی رابطه با والدین چه الان و توی رابطه با شوهرم. ولی خواهرم اگه شرایط سالهای اولیه ازدواج منو داشت شاید نمیساخت و نمیتونست تحمل کنه" (شرکت‌کننده شماره ۱)

"من خودم از خودم راضیم. واقعا فکر میکنم توی زندگی الانم موفقم. هم شوهرم ازم راضیه هم خودم از خودم. خیلی تحملم بالاست" (شرکت‌کننده شماره ۲)

• نیازهای روانشناختی سرکوب شده

یکی دیگر از مضمون‌های به دست آمده در رابطه با خانواده، سرکوب نیازهای روانشناختی بود. عدم توجه به نیاز به تفریح جدای از خانواده؛ نیاز رفاهی و مالی، نیاز به دریافت کلامی محبت، نیاز به آزادی عمل، نیاز به انتظارات واقع‌بینانه والدین و نیاز به ارضای خواسته‌ها منجر به حس سرکوبی در فرزندان اول شده بود. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"کلی اگه بخوام بگم حس میکنم از جهت مادی و رفاه زندگی، بچه اول بودن من بیشتر از همه موارد حس میشه و تفاوته رو دیدم" (شرکت‌کننده شماره ۷)

"یکی از نیازها مثلا تفریح. تفریحی ما توی زمان بچگی من، فقط با خانواده بود. اصلا غیر چارچوب خانواده وجود نداشت. مثلا من با دوستانم حتی به بازارم نمیرفتم. دوستانم خونه می‌آمدند اما من اجازه نداشتم. ولی الان برای خواهرم هیچ محدودیتی نیست. کاملا آزاده و هرجا بخواد میتونه با دوستاش بره" (شرکت‌کننده شماره ۱)

ب) ارتباطات فردی

ارتباطات فردی یکی دیگر از مضامین اصلی به دست آمده می‌باشد. در واقع افراد نه تنها در رابطه خانوادگی تجربیاتی را بیان کردند، بلکه در ارتباط با خود نیز مواردی را اشاره کردند. افزایش و کاهش کیفیت ارتباط با خود از جمله موارد مطرح شده بود که هر کدام منجر به دید و نگرشی تازه در درون افراد شده بود. به

بیان دیگر با تولد فرزند دوم، برخی از فرزندان اول به سمت خودارزشمندی‌سازی و برخی دیگر به سمت احساس حقارت پیش می‌روند. در ادامه به معرفی بیشتر این یافته‌ها پرداخته می‌شود.

• افزایش کیفیت ارتباط با خود

برخی شرکت‌کنندگان اشاره داشتند، فرزند اول بودن سبب خود ارزشمندی، دید همه‌جانبه به مسائل، تلاش برای اثبات خود در روابط، مستقل شدن، خودشناسی بیشتر و اعتماد به نفس بیشتر در روابط شده است که همین امر توانسته بود خودباوری آنان را تقویت کند. بنا به گفته فرزندان اول رسیدن به این میزان پختگی را مرهون تاثیر ترتیب تولد هستند. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"فکر میکنم حال من باخودم بهتر از حال خواهرم باخودشه. فکر میکنم اعتماد به نفسم بیشتر باشه. چون میبینیم که عهه من چه کارای باحالی کردم و نفر اول بودم که کردم و این به من اعتماد به نفس میده چون میفهمم که از پس همه کاری برمیام. اما خواهرم اینطوری نیست خیلی و خودشو سرزنش میکنه" (شرکت‌کننده شماره ۲)

"من قدرت تصمیم‌گیری همیشه داشتم به همین جهت اعتماد به نفسم زیاد بود و میدونستم مستقلم و یه سری چیزا روی دوش خودمه و متکی بار اومدم. که البته این مسئله برای سهیل نبود و مسئولیتی بهش واگذار نمیشد" (شرکت‌کننده شماره ۱۳)

• کاهش کیفیت ارتباط با خود

از طرفی دیگر عده‌ای از شرکت‌کنندگان معتقد بودند نه تنها ارتباط با خودشان از کیفیت بالایی برخوردار نیست، بلکه به سبب احساس حقارت، سخت‌گیری نسبت به خود، سرزنش خود، اضطراب در روابط، مقایسه ارتباطات و حس قربانی شدن در روابط با خود رنج می‌برند. در واقع این افراد اغلب احساس می‌کردند قربانی سایر فرزندان شده‌اند و نتوانسته‌اند متناسب با هر دوره زندگی احساس خوشحالی داشته باشند. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"من توی اعتماد به نفس خیلی مشکل داشتم. خیلیییی کم بود و وقتی وارد جامعه شدم خیلی کم اصلاح شد. حتی همین الانم وقتی یه جا یه حرفی میزنم ترس دارم از اینکه یکی نگه تو ساکت شو یا بگه به توجه؟ ولی داداشم اصلا به این موضوع فکر نمیکنه محکم حرفشو میزنه بدون ترس از اینکه کسی چیزی بگه" (شرکت‌کننده شماره ۶)

"خیلی از تصمیم‌گیریای من همراه با اضطرابه. فقط فکر میکنم که تهش چی میشه؟ اون چیزی که میخوام پیش میاد یانه" (شرکت‌کننده شماره ۳)

ج) ارتباطات اجتماعی

در نهایت شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که علاوه بر ارتباطات خانوادگی و فردی، ارتباطات اجتماعی نیز تاحدی تحت تاثیر فرزند اول بودن قرار دارد. در این زمینه عدم علاقه اجتماعی و محدودیت در روابط دوستانه از جمله مضامین به دست آمده می‌باشد. در واقع فرزندان اول به خاطر ایجاد محدودیت‌های توسط خانواده‌ها، علاقه اجتماعی آنان سرکوب شده بود. در ادامه به معرفی بیشتر این یافته‌ها پرداخته می‌شود.

• عدم علاقه اجتماعی

در طرف دیگر افرادی بودند که به علت احساس خجالت‌زدگی در ارتباط، احساس طردشدگی در ارتباط، اشکال در ارتباطات شغلی، احساس تنهایی در مدرسه، عدم تمایل به حضور در جامعه، سخت‌گیری در ازدواج و وابستگی در تصمیم‌گیری‌های ازدواج دچار سردرگمی بودند و اغلب تمایلی برای حضور در جامعه نداشتند. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"من توی دوران مدرسه خیلی حس تنهایی داشتم و همیشه نیاز داشتم یکی کنارم باشه و همراهیم کنه و سوالا موازش بیرسم. اما خواهرم منو داشت و منم خیلی هوشو داشتم" (شرکت‌کننده شماره ۲)

"حس میکنم بچه‌های اول توی تصمیم‌گیری خیلی وابستگی به نظر پدرمادر دارن. ولی بچه‌های بعدی کاملاً طبق نظر خودشون پیش میرن. من هرکاری میخواستم بکنم تا اوکی رو از خانواده نمیگرفتم انجام نمیدادم حتی برای کارای جزئی و حتی تا این سن این ویژگی توی من مونده. اما داداش و خواهرم به هیچ وجه اینجوری نیستن" (شرکت‌کننده شماره ۴)

• محدودیت در روابط دوستانه

در نهایت ارتباطات اجتماعی در حوزه دوستان نیز تحت تاثیر فرزند اول بودن قرار گرفت. طبق گفته شرکت‌کنندگان مرزبندی جنسیتی توسط خانواده و محافظه‌کاری در روابط دوستانه منجر به این شده بود که افراد نتوانند رابطه بی قید و شرطی در روابط دوستانه تجربه کنند. در این زمینه شرکت‌کنندگان اشاره می‌کنند که:

"برای منی که بچه اولم باعث شده توی تعامل با دیگران هم محافظه کار باشم و سعی میکنم توی همه کارام با بزرگتر مشورت کنم. و ریسک پذیریم هم خیلی پایینه" (شرکت‌کننده شماره ۵)

"حتی دوستانم رو خانواده باید کامل میشناختن و همین محدودیتا برای من باعث میشد که کلاً ارتباطات اجتماعیم خیلی محدودتر از دوتا بچه بعدی باشه. اعتماد به نفسمم خیلی پایین اومده به همین دلیل" (شرکت‌کننده شماره ۶)

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف واکاوی مفهوم ترتیب تولد در بعد ارتباطی براساس دیدگاه فرزندان اول انجام شد. براساس تحلیل مصاحبه‌های فرزندان اول شرکت‌کننده در پژوهش ۳ مضمون اصلی بدست آمد: ارتباطات درون خانوادگی، ارتباطات فردی، ارتباطات اجتماعی. در خصوص اولین مضمون به‌دست آمده ارتباطات درون خانوادگی شامل مضامین پیوستگی روابط با والدین، گسستگی روابط با والدین، بهبود روابط با سایر فرزندان، گسستگی روابط با سایر فرزندان، رضایت از رابطه‌ی زناشویی و نیازهای روانشناختی سرکوب‌شده بود. در راستای تبیین مضمون اصلی اول می‌توان گفت، موری بوئن (۱۹۸۰) معتقد است که میزان ارتباطات افراد در نظام خانواده یا به عبارتی دیگر، آمیختگی یا گسلس فرزندان با والدین و همشیرها می‌تواند یک خانواده‌ی کارآمد و سالم را از خانواده‌ای ناسالم متمایز کند (زهراکار و جعفری، ۱۴۰۱). پیوستگی و گسستگی روابط با والدین به عنوان یکی از مضامین محوری به این امر اشاره دارد که، خانواده به‌عنوان یک نهاد زیستی اجتماعی، وظیفه‌ی تربیت و مراقبت از افراد را برعهده دارد و همچنین منجر به شکل‌گیری بسیاری از عوامل رشدی (امانی، زهراکار و کیامنش، ۱۳۹۸) یا انحرافات و بیماری‌های روانی می‌شود (هایمی و لرنر، ۲۰۱۶). در واقع تمام سازه‌های مرتبط با خانواده می‌تواند بر زندگی فرزندان تاثیر

بگذارد (امانی، زهراکار و کیامنش، ۱۳۹۸). آدلر (۱۹۱۲) نیز بر بافت خانواده تاکید دارد و معتقد است که برای بررسی سبک زندگی افراد در بزرگسالی، باید روابط اولیه‌ی آن‌ها با والدین و همشیرها مدنظر قرار گرفته‌شود (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۸). به بیان دیگر جایگاه‌های متفاوت فرزندان در خانواده و ترتیب تولد آن‌ها منجر به رقابت بین آن‌ها برای بدست آوردن توجه والدین می‌شود (وایتمن، مک‌هال و سولی، ۲۰۱۱). بر همین اساس مدل مبتنی بر نظریه‌ی آدلر در پژوهش ماروسو و کلک (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که فرزندان اول خانواده در ارتباط با والدین محافظه‌کارتر و فرزندان بعد از آن‌ها سرکش‌تر هستند. مینوچین (۱۹۷۴) نیز معتقد است که در حوزه‌هایی مثل رشد خودمختاری و بهبود ارتباط با والدین ممکن است مشکلاتی به وجود آید، به خصوص زمانی که این افراد به سنین جوانی رسیده و میل به خودمختاری خود را آشکار میکنند. بنابراین، در فرزندان اول، هم رابطه نزدیک و صمیمانه‌ای بین والدین و فرزندان برقرار است و هم رابطه دور از هم. فالبو (۲۰۱۲) در پژوهش خود دریافت که تک فرزندان و فرزندان اول در توصیف رابطه خود با والدین به ویژگی توجه بیش از حد و عدم درخواست آزادانه نیازها از یک سمت و گوش به حرفی از سمت دیگر اشاره دارند. در پژوهش حاضر نیز مفاهیم احساس صمیمیت و نزدیکی، درک شرایط خانواده و حرف‌شنوی بیشتر از والدین از یکسو و مفاهیمی مانند عدم بیان درخواست‌ها، اجبار خانواده در تصمیم‌گیری‌ها، رودربایستی در ارتباط با والدین از سوی دیگر بدست آمد که هم‌راستا با پژوهش‌های مطرح شده می‌باشد.

از دیگر مضامین بدست‌آمده در خصوص ارتباطات درون خانوادگی، بهبود یا گسستگی روابط فرزندان اول با سایر فرزندان بود. در این‌باره می‌توان چنین تبیین کرد که از بین تمام روابط نزدیکی که افراد در طول زندگی خود تجربه می‌کنند، رابطه‌ی همشیرها یکی از طولانی‌ترین رابطه‌هاست که پیامدهای مهمی برای سازگاری و رفاه افراد دارد. علی‌رغم تعاملات مکرر این افراد، فرزندان بزرگتر معمولاً نقش مسلط‌تری نسبت به سایر فرزندان دارند (لیندل و کمپین بار، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهد، از آنجایی که فرزندان بزرگتر خانواده نسبت به سایر فرزندان زودتر به بلوغ شناختی و اجتماعی می‌رسند، معمولاً کنترل بیشتری بر خواهر برادران خود دارند. همچنین هنجارهای جامعه معمولاً به فرزندان بزرگتر خانواده رتبه بالاتر و در کنار آن مسئولیت‌ها و اختیارهای بیشتری می‌دهد (تاگر، آپدگراف و بریل، ۲۰۱۰). لاورسن و بوکوسکی (۱۹۹۷) نیز معتقدند که ۳ بعد متفاوت می‌تواند بر روابط خواهر برادران تاثیر بگذارد: ۱- استمرار و ثبات رابطه (اجباری یا اختیاری) ۲- قدرت (نگاه سلسله مراتبی به جایگاه فرزندان یا برابری) ۳- جنسیت (همجنس بودن همشیرها یا اختلاف جنسیت). با توجه به مطالب ذکر شده این احتمال می‌رود که فرزندان یک خانواده در سنین متفاوت احساسات مختلفی را نسبت به یکدیگر تجربه کنند و منجر به بهبود و یا گسستگی روابط شود. طبق یافته‌های پژوهش حاضر نیز جایگاه فرزندان در خانواده و ترتیب تولد آن‌ها می‌تواند نزدیکی یا گسلس عاطفی را بین همشیرها ایجاد کند.

در راستای تبیین مضامین محوری دیگر، رضایت از رابطه زناشویی و نیازهای سرکوب شده نیز می‌توان گفت، روابط زناشویی انسان در بزرگسالی و نیازهای روانشناختی وی می‌تواند متأثر از ترتیب تولد فرد باشد، چرا که خانواده یکی از مهمترین عوامل انتقال ارزش‌های متفاوت به نسل بعد از خود است و مبدا شکل‌گیری بسیاری از باورها (امین‌الرعا، کاظمیان و اسمعیلی، ۱۳۹۵) و منبع تامین نیازهای اساسی

افراد است (یانگ، کلسکو و ویشار، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، براساس نظریه یادگیری اجتماعی، کودکان بخشی از رفتارهای خود را در ارتباط با مراقبین خود آموزش می‌بینند و از آنجایی که خانواده اولین مکان جهت یادگیری رفتارهای مختلف در فرزندان است، کیفیت ارتباط پدر و مادر با فرزندان می‌تواند عامل مهمی در روابط زناشویی انسان شود (احمدی، پناغی و صادقی، ۱۳۹۷). بر این اساس فرزندان که در کودکی خود و در ارتباط با والدین مشکلاتی را تجربه کرده‌اند، مستعد تکرار آن مشکلات در روابط زناشویی خود هستند. همچنین اگر خانواده‌ی مبدا نیازهای روانشناختی فرزندان را بدرستی ارضا نکرده باشد، این نیازها می‌توانند در بزرگسالی افراد و در روابط متعدد وی مشکلاتی را ایجاد کنند (سعادت‌ی و همکاران، ۲۰۲۰). در پژوهش حاضر نیز با تحلیل مصاحبه‌ها چنین حاصل شد که شرکت‌کننده‌ای که نیازهای روانشناختی سرکوب شده بیشتری را ذکر می‌کرد، روابط بعدی و بزرگسالی‌شان نامناسبی داشت. هم چنین بر اساس یافته‌های ریچاردسون (۲۰۰۶) تعداد زیادی از بزرگسالان فرزند اول تا ۴۰ سالگی و قبل از آن هنوز احساس می‌کنند که والدین شان بر آن‌ها تأثیرگذارند؛ علاوه بر این، بیشتر فرزندان اول خود را ادامه دهنده آرزوها و ترس‌های والدین می‌بینند و توان رهایی از این موضوع را ندارند، این فشار والدین بر آنان بیشتر از سایر خواهر و برادرها احساس می‌شود؛ به طوری که وقتی تلاش می‌کنند مستقل عمل کنند، معمولاً احساس گناه و نفرت از خود را تجربه می‌کنند که این امر منجر به سرکوب نیازهای خود و نارضایتی در روابط می‌گردد.

از دیگر مضامین اصلی بدست آمده در این پژوهش، ارتباطات فردی شامل افزایش و کاهش کیفیت ارتباط با خود بود. درخصوص تبیین این مضمون، جفری یانگ (۱۹۹۹) در نظریه‌ی طرحواره‌درمانی خود معتقد است که پویایی‌های درون خانواده، پویایی‌های جهان ذهنی کودک را شکل می‌دهد و وجود یا عدم وجود طرحواره‌ها می‌تواند در شکل‌گیری ارتباط مثبت یا منفی فرد با خود تأثیرگذار باشد (آرنتز و جیکوب، ۱۳۹۸). در همین راستا مفهوم "خودشفقتی" نف یکی از راه‌های مراقبت از خود و دلسوزی نسبت به خود در لحظه‌های سخت زندگی است. در واقع وجود شفقت به خود به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده از افراد محسوب می‌شود (نف، ۲۰۱۳) که منجر به افزایش کیفیت ارتباط با خود خواهد شد. پذیرش مهربانی نسبت به خود منجر به کاهش شدت درد و قابل تحمل شدن رنج‌ها می‌شود. بنابراین عدم وجود آن نیز می‌تواند با خودسرزنی، اعتمادبه‌نفس پایین و بروز طرحواره‌ی معیارهای سختگیرانه در افراد یا به عبارتی کاهش ارتباط همراه شود (نف، ۱۳۹۹). کالکن (۲۰۰۸) معتقد است فرزندان اول خانواده معمولاً انگیزه‌ی درونی بیشتری دارند، اما نسبت به سایر فرزندان، استرس و فشار درونی بالاتری را تجربه می‌کنند. درحقیقت تلاش برای رسیدن به انگیزه‌های درونی بالا منجر به سخت‌گیری زیاد این فرزندان نسبت به خودشان و کاهش کیفیت ارتباطی با خود می‌شود. همچنین عدم دست‌یابی به آن‌ها احتمال خودسرزنی را افزایش می‌دهد (رهبر، ایگلوف و اسپموک، ۲۰۱۵). در پژوهش حاضر نیز فرزندان اول خانواده از نکات مثبت و منفی در برقراری ارتباط با خود سخن گفتند و این مساله را می‌توان ناشی از جایگاه آنان در خانواده دید. مفاهیمی مانند احساس حقارت، سخت‌گیری نسبت به خود، سرزنش خود، اضطراب در روابط سبب کاهش ارتباط با خود و خود ارزشمندی، دید همه‌جانبه به مسائل، مستقل شدن سبب افزایش ارتباط با خود می‌شد.

مضمون اصلی سوم در این پژوهش، ارتباطات اجتماعی است. بر این اساس مضامین بدست آمده از ارتباطات اجتماعی، عدم علاقه اجتماعی و محدودیت در روابط دوستانه است. در تبیین این مضامین می‌توان گفت، طبق نظریه جان بالبی (۲۰۰۰) ارتباطات افراد در بزرگسالی می‌تواند ناشی از ارتباط آن‌ها در کودکی با مراقبین اصلی‌شان باشد. بالبی معتقد است سازگاری و توسعه‌ی افراد در بزرگسالی تحت تاثیر نظام دل‌بستگی و نوع سبک دل‌بستگی آن‌ها در کودکی است. درک مبنی بر عدم دسترسی به منابع دل‌بستگی در بزرگسالی، در افراد احساسات ناامنی و استرس ایجاد کرده و آن‌ها را به سمت سبک‌های دل‌بستگی اضطرابی یا اجتنابی می‌برد. در نتیجه در بسیاری از موارد فرد توانایی مرزگذاری و ارتباطات سالم خود را از دست می‌دهد (جانسون و ویفن، ۱۳۹۶). در همین راستا آدلر نیز معتقد است که در بین فرزندان یک خانواده هرچه به سمت فرزندان آخر برویم، میزان اجتماعی بودن و مشارکت‌های اجتماعی را بیشتر مشاهده می‌کنیم و این میزان در فرزندان اول کمتر مشاهده می‌شود (هردت، وایر، درگان و لایچ، ۲۰۱۷). با توجه به مطالب ذکر شده، گفته‌های مشارکت‌کنندگان این پژوهش در راستای با پژوهش‌های پیشین قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر، افراد با سطوح بالاتر علاقه اجتماعی به جای کمال و منفعت شخصی برای رفاه تمام انسان‌ها تلاش می‌کنند (فیست و فیست، ۱۴۰۱). این مسئله، عامل مهمی در سازگاری روانی افراد با محیط و یک عامل کلیدی در سلامت روان افراد است (کلکن، ۲۰۰۹). علاقه اجتماعی به افراد کمک می‌کند عملکرد عاطفی پایدارتر و مثبت‌تری از خود نشان دهند (ارگونر، ۲۰۱۴). یافته‌های کلکن و کوچ (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که ترتیب تولد افراد می‌تواند پیش‌بین مناسبی برای علاقه اجتماعی باشد. معمولاً فرزندان اول بیشتر انرژی خود را صرف ارضای نیازهای خانواده و فرزندان کوچکتر می‌کنند و به همین جهت از توجه به خود و نیازهای خود باز می‌مانند. از آنجایی که علاقه اجتماعی ناشی از درک اعتماد به دیگران و خود است، در صورتی که این نزدیکی با درون در رابطه با خود شکل نگیرد، موجب بروز احساساتی همچون طردشدگی، تنهایی و انزوا می‌شود (ارگونر، ۲۰۱۴). این امر محدودیت‌هایی را نیز در روابط دوستانه پدید می‌آورد. از دیدگاه ساختاری، از آنجایی که در غیاب خواهر و برادر زیرمجموعه همشیره‌ها برای فرزندان اول تا زمان تولد فرزند دوم فراهم نمی‌شود، در نتیجه آن‌ها در زیرمجموعه‌ای یگانه قرار می‌گیرند (ریان، ۱۹۹۷)، بنابراین طبیعی است که تا زمانی نامشخص، مدت زمانی را در تنهایی صرف کنند؛ و این زمینه‌ساز محافظه‌کاری فرزندان اول می‌شود. مفهومی که پژوهش حاضر نیز بدان رسید.

به صورت کلی می‌توان گفت جوانان فرزند اول شرکت‌کننده در این پژوهش با وجودی که به مزایا و نقاط مثبت فرزند اول هم چون دریافت توجه بیشتر، گرمی و صمیمیت اشاره دارند؛ اما فشار ارتباطی زیادی در ابعاد مختلف تعامل با والدین، همشیره‌ها و اجتماع تجربه می‌کنند، لذا فرزندان اول در معرض چالش‌های ارتباطی بسیاری قرار دارند که لزوم رسیدگی به آن‌ها در مسائلی مانند تحصیل، اشتغال و ازدواج ضروری به نظر می‌رسد. با وجود اینکه این پژوهش از لحاظ زیربنای نظری دارای نوآوری است، اما با محدودیت‌هایی نیز مواجه گردید. اول آن که این پژوهش در خصوص فرزندان اول شهر اصفهان صورت گرفت، بنابراین عامل فرهنگ می‌تواند در اظهارنظرهای مشارکت‌کنندگان تاثیرگذار باشد. محدودیت دوم این است باتوجه به پژوهش‌های محدود انجام شده در این حوزه (تجارب فرزندان اول)، دسترسی به منابع اطلاعاتی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی درمورد چالش‌ها و سایر

مشکلات رفتاری، شناختی، هیجانی پژوهش صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد نقش مداخلات روان‌شناختی و مشاوره‌ای در جهت خودارتقای ارتباطی فرزندان اول موردتوجه پژوهشگران قرار گیرد. انجام این پژوهش بر روی فرزندان دوم و مقایسه یافته‌های هر دو پژوهش با توجه به سبک زندگی‌های جدید پیشنهاد می‌شود. در انتها نیز پیشنهاد می‌گردد باتوجه به اینکه در این پژوهش مولفه‌های مهمی در جهت شناخت چالش‌های ارتباطی حاصل شد، تدوین پروتکل مشاوره‌ای مناسب برای مدیریت و مشاوره با فرزندان اول در دستور کار مشاوران و روان‌شناسان پیش‌کسوت قرار گیرد. امید است این مقاله رهیافتی برای آگاهی‌سازی مشاوران و درمانگران باشد.

موازن اخلاقی

در اجرای این پژوهش محقق سعی نمود تا ملاحظات اخلاقی از جمله رضایت داوطلبانه و عدم آسیب رساندن به مشارکت‌کنندگان رعایت شود.

سپاسگزاری

بدین وسیله از همه دوستان و صاحب‌نظرانی که با نظرات ارزشمند خود به غنای مطالب پژوهش کمک نمودند تشکر می‌شود.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان در تهیه همه مراحل این پژوهش نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- آرنتز، آرنولد، جیکوب، گیتا. (۱۳۹۸). *تکنیک‌های طرحواره درمانی (الگوی مبتنی بر ذهنیت)*. ترجمه حامد برآبادی. تهران: نشر اسبار
- احمدی، لیلا، پناغی، لیلی، صادقی، منصوره سادات. (۱۳۹۷). رابطه خودمختاری و صمیمیت خانواده مبدأ با سازگاری زناشویی: نقش عوامل شخصیتی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۵۳، ۵۶-۳۹.
- امانی، زکیه، زهراکار، کیانوش، کیامنش، علیرضا. (۱۳۹۸). شناسایی پیامدهای طالق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*. ۴۷، ۸۱-۵۹.
- امین‌الرعایا، رضوان، کاظمیان، سمیه، اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۵). پیش‌بینی تحمل پریشانی بر اساس مولفه‌های ارتباطی خانواده مبدأ در زنان مطلقه و غیر مطلقه. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*. ۴۰،

انصاری، مریم، یارمحمدیان، محمد؛ یوسفی، علیرضا و یمانی، نیکو (۱۳۸۶). مقدمات روش تحقیق کیفی: راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشت و درمان، اصفهان: نشر دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان.

پاک نیت، سنا (۱۳۹۸). اثربخشی مشاوره گروهی آدلر بر عملکرد خانوادگی مادران دارای فرزندان در معرض خطر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران.

جانسون، سوزان، ویفن، والری. (۱۳۹۶). فرایندهای دل‌بستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی. ترجمه فاطمه بهرامی، روناک عشقی، ناصر یوسفی، علی نویدیان، عذرا اعتمادی، مهناز جوکار، شیوا رضوان، اعظم صالحی، سعیده بطلانی، محمدمسعود دیاریان، پریسا نیلفروشان. تهران: نشر دانژه

جهاندار، ابراهیم، محمودپور، عبدالباسط، اسمعیلی، معصومه. (۱۴۰۰). پدیدارشناسی تغییرات هویت همسری مادران پس از تولد اولین فرزند از دیدگاه همسرشان. رویش روان‌شناسی. ۱۰ (۲)، ۱۳۹-۱۵۰
حمید، نجمه، ابافت، حمیده و بنی‌طی، عباس. (۱۳۹۶). تأثیر مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله مذهب محور بر رضایت زناشویی زنان در آستانه طلاق، مجله مطالعات زن و خانواده، ۶ (۱)، ۱۷۷-۱۹۵.
ذاکری، فاطمه، صفاریان طوسی، محمدرضا، نجات، حمید. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیل‌کننده خودشفقتی بر رابطه مشکلات بین فردی و دلزدگی زناشویی در زنان ناسازگار. روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ۹ (۳۲)، ۸۳-۹۶

زهراکار، کیانوش و جعفری، فروغ (۱۴۰۱). مشاوره خانواده، تهران: نشر ارسباران.
فروغی، مهسا، باقری، فریبرز، احدی، حسن و مظاهری، محمدعلی. (۱۳۹۶). اثربخشی مداخله آموزش غنی-ساز زندگی زناشویی با رویکرد متمرکز بر هیجان در دوران بارداری بر رضایت زناشویی زوجین پس از تولد اولین فرزند، مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲ (۲۴)، ۸۱-۵۵.

فیست، جس، فیست، گریگوری جی، رابرتس، تامی. (۱۴۰۱). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان

قاسمی‌پور، فاطمه (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به طلاق، ماهنامه زنان، ۴۰، ۱۳-۳.
گلدنبرگ، ایرنه، گلدنبرگ، هربرت. (۱۴۰۱). خانواده درمانی، ترجمه حمیدرضا شاهی براوتی، سیامک نقشبندی، الهام ارجمند. تهران: نشر روان.

عباس پور، ذبیح اله، و چوبداری، عسگر. (۱۳۹۹). اثربخشی زوج درمانی تلفیقی به روش دایمند بر بهزیستی روانشناختی و تعارض زناشویی زوجین بعد از تولد اولین فرزند خانواده پژوهی. ۱۶ (۲)، ۱۹۸-۱۸۳.

محمودپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش‌ها. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
محمودپور، عبدالباسط، فرحبخش، کیومرث، حسینی، به رزان، بلوچ زاده، الهام. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان بر اساس شیوه‌های دل‌بستگی، خود شفقتی و تحمل‌پریشانی، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱، ۶۵-۸۴

نف، کریستین. (۱۳۹۹). شفقت خود. ترجمه الهام موسویان. تهران: نشر ارجمند
نیلفروشان، پریسا، عابدی، محمدرضا، احمدی، احمد. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی خانواده، اصفهان: نشر دانشگاه اصفهان

هومن، حیدرعلی (۱۳۹۱). راهنمای عملی پژوهش کیفی. تهران: سمت.

یانگ، جفری، کلوسکو، ژانگ، ویشار، مارجوری. (۱۴۰۱). *طرحواره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی)*، ترجمه حسن حمیدپور، زهرا اندوز، تهران: نشر ارجمند

References

- Abbaspour, Z., & Choobdari, A. (2020). The effectiveness of integrated couple therapy in a permanent way on the psychological well-being and marital conflict of couples after the birth of the first child. *Family research*, 16(2), 183-198. (In Persian)
- Ahmadi, L., Panaghi, L., & Sadeghi, M. S. (2018). The relationship of autonomy and intimacy of the family of origin with marital adjustment: the role of personality factors. *Family Research Quarterly*, 53, 56-39. (In Persian)
- Amani, Z., Zahrakar, K., & Kyamanesh, A. (2019). Identifying the consequences of parents' divorce on children; Qualitative Study. *Cultural-educational quarterly for women and family*. 47, 81-59 (In Persian)
- Amin al-Raaya, R., Kazemian, S., & Esmaili, M. (2016). Predicting distress tolerance based on the communication components of the family of origin in divorced and non-divorced women. *Women and society scientific-research quarterly*. 40, 105-91 (In Persian)
- Ansari, M., Yarmohamedian, M., Yousefi, A., & Yamani, N. (2007). Introduction to qualitative research method: Theorizing method in humanities and health sciences, Isfahan: Isfahan University of Medical Sciences and Health Services. (In Persian)
- Anyanwu, J.I, Obiyo, N.O, Ugwuanyi, L.T, Adikwu, V, Ubah, J.C, Obata, M.I, & Out, M.S. (2018). Age and Birth Order as Factors for Parental Stress of Children with Autism and Coping strategies. *International Journal of Applied Engineering Research*. 13(21):15299- 309.
- Arnett, J.J. (1997). Young people's conceptions of the transition to adulthood. *Youth & Society*, 29, 1-23
- Breining, S, Doyle, J, Figlio, DN, Karbownik, K, & Roth, J. (2020). Birth order and delinquency: Evidence from Denmark and Florida. *Journal of Labor Economics*. 38(1):95-142.
- Cowan, C. P., & Cowan, P. A. (1992). *When partners become parents: The big life change for couples*. Basic Books. American Psychological Association. Washington.
- Falbo, T. (2012). Only children: An updated review. *Journal of Individual Psychology*, 68(1), 38- 49.
- Feist, J., Feist, G. J., & Roberts, T. (2022). *Personality theories*, translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Ravan Publishing House (In Persian)
- Foroughi, M., Bagheri, F., Ahadi, H., & Mazaheri, M. A. (2017). The effectiveness of marital life enrichment education intervention with an emotion-focused approach during pregnancy on the marital satisfaction of couples after the birth of their first child. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 2(24), 55-81. (In Persian)
- Ghasemipour, F. (2010). A second look at divorce, *Women's Monthly*, 40, 3-13. (In Persian)
- Goldenberg, I., & Goldenberg, H. (2022). *Family therapy*, translated by Hamidreza Shahi Bravati, Siamak Naqshbandi, Elham Arjamand. Tehran: Rovand Publishing House. (In Persian)
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). *Competing paradigms in qualitative research*. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105.
- Haimi, M., & Lerner A. (2016) The Impact of Parental Separation and Divorce on the Health Status of Children, and the Ways to Improve it. *J Clin Med Genomics*, 4,137.

- Hamid, N., Abaft, H., & Banitey, A. (2017). The effect of communication skills and religion-based problem solving on women's marital satisfaction on the verge of divorce, *Journal of Women and Family Studies*, 6(1), 177-195. (In Persian)
- Hardt, J., Weyer, L., Dragan, M., Laubach, W. (2017). *Anxiety and depression as an effect of birth order or being an only child: Results of an internet survey in Poland and Germany*. *Insights Depress Anxiety*, 1, 015-022
- Holloway I, Galvin K. (2017). *Qualitative Research in Nursing and Healthcare*. Edition F, editor: Wiley-Blackwell.
- Hooman, H. A. (2012). A practical guide to qualitative research. Tehran: SAMT. (In Persian)
- Jahandar, E., Mahmoudpour, A., & Ismaili, M. (2021). Phenomenology of changes in the marital identity of mothers after the birth of their first child from the perspective of their husbands. *Development of psychology*. 10 (2), 139-150 (In Persian)
- Johnson, S., & Wiffen, V. (2017). Attachment processes in couple therapy and family therapy. Translated by Fatemeh Bahrami, Ronak Eshghi, Nasser Yousefi, Ali Navidian, Ezra Etimadi, Mahnaz Jokar, Shiva Rizvan, Azam Salehi, Saeeda Botlani, Mohammad Masoud Diaryan, Parisa Nilfroshan. Tehran: Danje Publishing (In Persian)
- Kalkan, M. (2009). Adlerian social interest scale-romantic relationship form (ASIS-RR): scale development and psychometric properties. *Individual Differences Research*, 7(1), 40-48
- Kalkan, M., & Koç. (2008). Do psychological birth orders predict individuals stress coping strategies? *Turkish Psychological Counseling & Guidance Journal*, 3(30), 57-59
- Laursen, B., & Bukowski, W. M. (1997). A developmental guide to the organisation of close relationships. *International Journal of Behavioral Development*, 21, 747-770
- Lindell, A. K. & Campione-Barr, N. (2017). *Relative power in sibling relationships across adolescence*. In N. Campione-Barr (Ed.), *Power, control, and influence in sibling relationships across development*. New Directions for Child and Adolescent Development. 156, 49-66
- Mahmoudpour, A., Farahbakhsh, K., Hosseini, B., & Balouchzadeh, E. (2018). Predicting women's marital commitment based on attachment styles, self-compassion and distress tolerance, counseling and family psychotherapy, 1, 84-65 (In Persian)
- Martins, C. A. (2019). Transition to parenthood: consequences on health and well-being. A qualitative study. *Enfermería Clínica (English Edition)*, 29 (4), 225 -233.
- Minuchin, S. (1974). *Families and Family Therapy*. Cambridge: Harvard University Press.
- Mohammadpour, A. (2013). Qualitative research method against method 1. Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Morosow, K., & Kolk, M. (2020). How Does Birth Order and Number of Siblings Affect Fertility? A Within-Family Comparison Using Swedish Register Data. *European Journal of Population*, 36, 197-233
- Neff, C. (2020). self compassion Translated by Ilham Mousavian. Tehran: Arjamand Publication (In Persian)
- Neff, K. D. (2013). Self compassion in clinical practice. *Journal of clinical psychology*, 69(8), 856-867.
- Nilfroshan, P., Abedi, M., & Ahmadi, A. (2019). *Family Pathology*, Isfahan: Isfahan University Press. (In Persian)

- Pakniyat, S. (2019). The effectiveness of Adler's group counseling on the family functioning of mothers with children at risk, master's thesis in the field of family counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran. (In Persian)
- Patton, M.Q. (2015). *Qualitative research and evaluation methods. Edition F, editor United States America: SAGE Publication, Inc.*
- Richardson, A. (2006). Only child-A unique inheritance. *Therapy Today*, 17(1), 36-39.
- Rohrer, J., Egloff, B., Schmukle, S. (2015). *Examining the effects of birth order on personality*, Department of Psychology, University of Leipzig.
- Ryan, C. A. (1997). Counseling Strategies for the Single-Child Family: A Structural Family Therapy Model. *The Family Journal: counseling and therapy for couples and families*, 5(2), 132-136.
- Saasati, N., Youefi, Z., & Gholparvar, M. (2020). The effectiveness of the systematic training for effective parenting (STEP) on the quality of parent-child relationships, parenting self-efficacy, and cognitive flexibility in adolescent mothers. *Journal of psychological science*, 19(94), 1319-1330.
- Sulloway, F.J. (2007). *Birth order and sibling competition*. In: Dunbar R, Dunbar RIM, Barrett L, editors. Oxford handbook of evolutionary psychology. New York: Oxford University Press, 297-311.
- Tran, T., Le, T. T. H., Nguyen, T. T., Pham, A. G., Vu, T. H., Nguyen, M. H. & Vuong, Q. H. (2019). The relationship between birth order, sex, home scholarly culture and youths' reading practices in promoting lifelong learning for sustainable development in Vietnam. *Sustainability*, 11(16), 4389.
- Tucker, C. J., Updegraff, K., & Baril, M. E. (2010). Who's the boss? Patterns of control in adolescents' sibling relationships. *Family Relations*, 59(5), 520-532.
- Waters, E. (1978). The reliability and stability of individual differences in infant mother attachment. *Child Development*, 49, 483-494
- Whiteman, S. D., McHale, S. M., & Soli, A. (2011). Theoretical perspectives on sibling relationships. *Journal of Family Theory & Review*, 3(2), 124-139
- Wittenborn K, Ridenour A, MitchellRyan A & Seedall B. (2018). Randomized controlled trial of emotionally focused couple therapy compared to treatment as usual for depression: Outcomes and mechanisms of change. *Journal of Marital and Family Therapy*. 45: 395- 409.
- Young, J., Klosko, J., & Weishaar, M. (2022). *Schema therapy (a practical guide for clinical professionals)*, translated by Hassan Hamidpour, Zahra Andoz, Tehran: Arjamand Publishing. (In Persian)
- Zahrakar, K., & Jafari, F. (2022). *Family counseling*, Tehran: Arsbaran Publishing. (In Persian)
- Zakari, F., Safarian Tousi, M. R., & Nejat, H. (2018). Investigating the moderating role of self-compassion on the relationship between interpersonal problems and marital burnout in maladjusted women. *Psychological Methods and Models*, 9(32), 96-83 (In Persian)

Analyzing the lived experience of birth order in the communicational dimension based on the perspective of first children: a phenomenological study

Maryam. Rostami Najafabadi¹ & Fahimeh. Bahonar^{2*}

Abstract

Aim: This research was conducted with the aim of analyzing the live experience of birth order in the communicational dimension based on the perspective of the first children. **Methods:** The present research method is applied and qualitative type of phenomenology. The participants of this research included the first children of Isfahan city in 2022. The selection of the participants was continued in a targeted manner until the saturation point and finally the selection of the first 16 children and the participants were subjected to semi-structured interviews. In order to analyze the data, the Colaizzi theme analysis method was used. **Results:** Data analysis led to the identification of, 53 primary concepts 10 central themes and 3 main themes. The results showed that intra-family communication was classified into 6 themes of (continuity of relations with parents, separation of relations with parents, improvement of relations with other children, separation of relations with other children, satisfaction with marital relationship and repressed psychological needs). The second main theme of personal communication included (increasing and decreasing the quality of communication with oneself). Finally, the theme of social communication was classified into the sub-themes of (lack of social interest and limitation in friendships). **Conclusion:** Overall, the results showed that being the first child can affect various aspects of communication and create challenges in marriage, friendships, social and family relationships. Modifying interactive patterns and informing parents and children can be effective in preventing challenges. Because the order of birth plays an important role in the formation of intra-family and extra-family relationships.

Keywords: Communication, Birth order, First child, Phenomenology.

1. PhD Student, Department of Counseling, psychology and Educational Science Faculty, University of Kharazmi, Alborz, Iran

2. *Corresponding author: PhD Student, Department of Counseling, Psychology and Educational Science Faculty, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Email: Fahime.bahonar@edu.ui.ac.ir